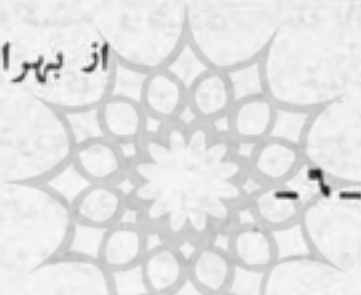


نمایش در ایران

از بهرام بیضائی



خیمه شب بازی و سایه

ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از آنچه تاکنون گفته‌ایم نتیجه بگیریم: نمایش‌های عروسکی در سراسر ایران رایج نبوده است، بلکه شکل بازی‌های متواری در گوشه و کنار نشان داده می‌شده. بازیهای متواری زیرا مذهب با آنها مخالف بوده، و خصوصاً با نمایش سایه مخالف بوده است.^۱ براین بازیهای متواری در

۱ - تصویر سایه‌دار - با اصطلاح فقها صورت و پیکری است که از تاییدن آفتاب یا روشنی دیگر بر آن سایه پیدا شود که نام دیگرش شبیه است که در شریعت اسلام ساختن چنین صورت حرام است.

(فرهنگ نظام)

برخی نواحی نمایشهای خیمه‌ای زردپوستان شمال شرقی ایران، و بازیهای عروسکی مغولان - در عصر مغولها - سپس نمایش های عروسکی عثمانی - در عهد صفویه - اثری نهند. سپس در اوایل صفویه خیمه‌شب‌بازی که بیشتر قابل لمس بود باقی میماند، و سایه‌بازی که بیشتر آماده از میان رفتن بود بتدریج از میان میرود یا به خیمه‌شب‌بازی تبدیل میشود، یا به جاهائی خارج از ایران (بیشتر به میان ترکان آسیای وسطی) میرود.

اما بعد، « سرجان شاردن » از وجود خیمه‌شب‌بازی در عصر شاه عباس دوم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۸ هـ) پادشاه صفوی سندی بنا میدهد. او در توصیف برگزاری نمایش شاطر گوید میدان شاه اصفهان را آذین بسته بودند و آنجا : « دسته های تفریحی و نمایشی بود . از قبیل : گروهان رقاصه ها و گروهان شاطران - که آماده رقص بودند - هیأت های معرکه گیران - با صد گونه شعبده و شادی - حقه بازان ، شمشیر بازان ، خیمه شب بازان ... »^۱ و جای دیگر گوید: « خیمه شب بازان و شعبده بازان ایرانی چنانکه در کشورهای ما معمولست بهیچ وجه در یوز گوی نمی کنند، بلکه در ملاء عام بنمایش میبردازند و هر کس که مایل باشد برایشان پول میدهد ». در دوره صفویه - خصوصاً - سفرهای تجارتهی بازرگانان ایران، از راه دریای عمان در جنوب - فراوان شد. و تجار ایرانی که عروسکهای دستی و نخی هندی را دیدند و پسندیدند و با خود آوردند، ساده ترین نوع آنها را به جنوب ایران منتقل کردند^۲ و عروسکهای هندی که در اثر طلی تاریخچه ای دارای وضعی تکامل یافته بود، وقتی به ایران آمد به نسبت موقعیت مکانی، و بیشتر

۱ - سیاحتنامه شاردن - ترجمه محمد عباسی (امیر کبیر - ۱۳۳۶) ج ۴ -

۲ - همان کتاب - ج ۴ - ص ۱۸۸

۳ - در شمال هند عروسکهای نخی بزرگی که از عروسکهای تبتی کمی کوچکتر است بازی میشد، و در مرکز و جنوب زیر تأثیر خیمه شب بازی اروپائی عروسکهای دستی رواج داشت. از شمال شرقی به جنوب غرب سادگی کار عروسکها و نمایش بیشتر میشد. و تجار ایرانی بازی ببتی و اطراف آنها به ایران آوردند.

بواسطه عدم آشنائی خیمه شب‌بازان ایرانی با آن، تغییراتی یافت و بسیار ساده‌تر از عروسکهای هندی شده داستانها و لباسهای ایرانی شد، وضع عروسکها هم تفاوتهایی پیدا کرد و از جمله مفاصل حرکتی محدودتر شد و عروسکهای نخنی فقط با سه نخ یا پنج نخ حرکت داده میشدند^۱. و عروسکهای دستی ظاهراً برای اولین بار داخل در خیمه شب‌بازی ایران گردید. بهر حال این عروسکهای ایرانی شده پایه‌ای برای خیمه‌شب‌بازی جنوب ایران شد، که ادامه خود را تا امروز دنبال کرده است^۲.

از خیمه‌شب‌بازی دوره زندیه و افشاریه مدرک مکتوبی در دست نداریم. ولی معلومست که آنچه بوده کم و بیش در اطراف ادامه داشته است.

بنظر میرسد از عهد صفویه که ایران و عثمانی روابطی - چه دوستانه و چه غیردوستانه - داشته‌اند، ایرانیان برخی نمایشهای راجع به عثمانی - که رنگ سیاسی داشت - در ایران نشان میداده‌اند، و کم‌کم این بازیها رنگ سیاسی خود را از دست داد. مهمترین این نمایشها بازی «شاه سلیم» بود، که شاید در اصل برای تمسخر یا بزرگداشت او نمایش داده میشده است، و طی دوره‌ای - زیر سلطه سلسله‌های بعدی - تکامل یافت و یکی از نمایشهای بزرگ خیمه‌شب‌بازی شد. بالاخره ما در دوره قاجاریه است که آنرا باشکلی پیشرفته مییابیم.

بهاء الله (۱۱۹۶-۱۲۷۱ هـ) که از وزیرزادگان ایران بود و سپس بخاطر اعتقادات مذهبی جدیدش حبس و تبعید شد، در ایام کودکی در دستگاه پدر و وزیرش کاملترین این نمایش را دیده بود. او در لوحی که برای سلطان عبدالعزیز عثمانی فرستاد - و بنام «لوح رئیس» معروف است - چنین آورده است: «وقتی که این غلام طفل بود و بعد بلوغ نرسیده، والد از برای یکی

۱ - در سه نخ: یکی برای سر، دوتا برای دستها - در پنج نخ دوتا هم برای پاها اضافه میشد.

۲ - از خیمه شب‌بازی صفویه ظاهراً سند دیگری نیز موجود میباشد و آن يك مثنوی از «میرزا طاهر وحید» است که در نسخ کیمیایی وجود دارد و راجع به - مشاغل عهد صفویه است، که بخشی از آن را هم مشاغل نمایشی تشکیل میدهد. این مثنوی متأسفانه هرگز بدست من نرسیده، اما کسی را میشناسم که مدتها پیش آنرا یافته و خوانده است و می‌گوید درباره خیمه‌شب‌بازی هم مطلبی در آن هست.

از اخوان که کبیر بود در طهران اراده تزویج نمود. و چنانکه عادت آن بلد است هفت شبانه روز بچشن مشغول بودند. روز آخر مذکور نمودند امروز بازی شاه سلطان سلیم است و از امراء و اعیان و ارکان بلد جمعیت بسیار شد، و این غلام در یکی از غرف عمارت نشسته ملاحظه مینمود، تا اینکه در صحن



عمارت خیمه بر پا نمودند. مشاهده شد صوری به شکل انسانی که قامتشان بقدر شبری [= و جبی] بنظر میامد، از خیمه بیرون آمده ندا مینمودند که سلطان میآید کرسیها را بگذارید. بعد صوری دیگر بیرون آمدند، مشاهده شد که بجاروب مشغول شدند و عده آخری بآب باشی، بعد شخصی دیگر ندا نمود - مذکور نمودند جارچی باشی است - ناس را اخبار نمود که برای سلام در حضور سلطان حاضر شوند. بعد

جمعی باشال و کلاه، چنانچه رسم عجم است، و جمعی دیگر باتبر زین و هم چنین جمعی فرایشان و میر غضبان

با چوب و فلک آمده در مقامهای خود ایستادند. بعد شخصی باشو کت سلطانی و اکلیل خاقانی، با کمال تبخیر و جلال بتقدم مره و بتوقف اخری، آمده در وقار و سکون و تمکین بر تخت متمکن شد و حین جلوس صدای شلیک و شیپور بلند گردید و دخان خیمه و ساطانرا احاطه نمود بعد که مرتفع گشت مشاهده شد که سلطان نشسته وزراء و امراء و ارکان بر مقامهای خود مستقر در حضور ایستاده اند. در این اثناء دزدی گرفته آوردند از نفس سلطان امر شد که گردن او را بزنند. فی الفور میر غضب باشی گردن آنرا زده و آب قرمزی که شبیه بخون بود از او جاری گشت. بعد سلطان بحضار بعضی مکالمات نموده، در

این اثناء خبر دیگر رسید که فلان سرحد یاغی شده اند. سان عسکر دیده چند فوج از عساکر باتویخانه مامور نمود، بعد از چند دقیقه از ورای خیمه استماع صداهای توپ شد - مذکور نمودند که حال در جنگ مشغولند - این غلام بسیار متفکر و متحیر که این چه اسبابیست. سلام منتهی شد و پرده خیمه را حائل نمودند. بعد از مقدار بیست دقیقه شخصی از ورای خیمه بیرون آمد و جعبه در زیر بغل. از او سوال نمودم این جعبه چیست و این اسباب چه بود. مذکور نمود که جمیع این اسباب منبسطه و اشیای مشهوده و سلطان و امراء و وزراء و جلال و استجلال و قدرت و اقتدار که مشاهده فرمودید الان در این جعبه است .. ۱



مدرکی که فوقاً بعنوان کامل-ترین نمونه از خیمه شب بازی ایران آورده شد، مربوط می شود به حدود یکصد و سی و پنج سال پیش (چون گوینده آن می گوید که در طفلی این نمایش را دیده ام . تاریخ تولد او ۱۱۹۶ هـ . است . اگر تصور کنیم که در ده سالگی این نمایش را دیده باشد، مدرک مربوط به ۱۳۵ سال عروسکهای دستی (نمایش لچک قرمزی) در اصفهان (نمایش میشواد) و ظاهراً بازی شاه سلیم (با کمک آقای پرویز کاروان) در اطراف رایج بوده است ولی

امروز تا آنجا که میدانم هیچ جا اجرا نمی شود.

« شودزکو - Chodzko » که کتاب « تاتر ایرانی » خود را در ۱۸۷۸ میلادی نوشته و چند سال پیش از آن در ایران بوده در مقدمه کتابش میگوید: « قره گوز^۱ یا نمایش عروسکی [= ماربونت] نمایشی است

- ۱ - مجموعه الواح مبارکه - (چاپ مصر - ۱۹۲۰ م) ص ۱۰۷ تا ۱۰۹
- ۲ - آن قهرمان نمایش های عروسکی عثمانی، که شخصیت یافته بین عوام نامش به کل این بازی اطلاق میشد و در ایران هم مشهور بوده.

که خصوصاً بین طوایف چادر نشین که دارای اصل ترک هستند رواج دارد^۱.

از مقایسه این گفته شودز کو با آن بازی شاه سلیم نتیجه می گیریم که نمایش عروسکی از طرفی بصورت نمایش دوره گردان و از طرفی دیگر بصورت مجلل و درباری آن وجود داشته است. بهر حال رواج خیمه شب بازی بین مردم (در عروسی ها، قهوه خانه ها، معرکه ها و غیره) باعث بوجود آمدن شخصیت های عامیانه در این نمایش شد. نمونه این شخصیت ها «پهلوان کچل» است، که عده ای به تاثیر قره گوز عثمانی روی آن اشاره کرده اند. بالا اقل وجوه شباهتی را بین آن دو یافته اند. سیاوشگیل در رساله اش گوید: « در واقع شخصیت پهلوان کچل مزجی است از خصوصیات قره گوز و حاجیواد. و ما با کمال انصاف از خود میبرسیم که آیا این تیپ [پهلوان کچل] نیای تیپ های قره گور و حاجیواد نیست، که یکی از این دو معلومات دائرة المعارفی و در عین حال سطحی او را کسب کرده و دیگری بذله گومی و طاسی او را؛^۲ و نویسنده فکر نمی کند که پاسخ این سوال صادقانه سیاوشگیل مثبت باشد. زیرا معلوم نیست که بشود تاریخ تقریبی پیدایش پهلوان کچل را تا نیمه اول قرن هشتم هجری (که تاریخ پیدایش قره گوز و حاجیواد است) عقب برد. بهر حال این پهلوان کچل دو شخصیت دارد، یکی آنکه شودز کو توصیفش کرده و نمونه ایرانیان شمرده^۳ و نمایش آن ظاهراً در حال حاضر از میان رفته، و دیگر آن پهلوان و لوطی بزرگوازی که بدون چشم داشتی به کمک زیردستان می رود و نمایش آنرا امروز هم می بینیم. در مورد پیدایش بازی پهلوان کچل هم در جنوب ایران و بین خیمه شب بازان فارس دو عقیده هست. عده ای می گویند خود این پهلوان خیمه شب باز معتبری بوده و پس از او نامش روی این بازی مانده است. و برخی دیگر به اینکه پهلوانی بوده و کارهای بزرگ می کرده و خصوصاً بجنگ « و روره جادو » رفته (که داخل در خیمه شب بازی شده) معتقدند، و شك نیست که مشخصات روانی این پهلوان کاملاً ایرانی است و شکل عامیانه همان روحیه پهلوانی است که در شاهنامه،

Théâtre Persan (Paris - Le Roux) p:XIV - ۱

۲ - قره گوز - ص ۵

۳ - آنطور که خواهد آمد.

یا کمی نزدیکتر، بین پهلوانان عامی و محلی یعنی لوطی‌ها پیدا میشود. شودزگو در مورد پهلوان کچل میگوید: «قهرمان عامیانه پهلوان کچل^۱ پوشش خاصی ندارد، طاسی نمودار مشخص اوست، همچنانکه خمیدگی پشت مشخص کننده «پولیشینل - Polichinelle»^۲ است. شخصیت پهلوان کچل خیلی شبیه به «پولچینلوی ناپل - Pulcinello de Naples» است،



ژویش کار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نمایش: لچک قرمزی
(با کمک اداره روابط بین‌المللی و انتشارات هنرهای زیبا)

۱ - در اصل: کچل پهلوان.

۲ - پولچینلو یکی از شخصیت‌های نمایش‌های صحنه‌ای و سپس عروسکی قرون وسطی و بعد از آن در ایتالیا و خصوصاً ناپل بود. مشخصه اصلی او خمیدگی پشت، بزرگی بینی، بدله گونی، حاضر جوابی و غیره بود. این شخصیت که مورد پسند و زبان عامه بود در نمایش‌های اروپایی عمومیت یافت و به اغلب کشورها رفت و به هرچا نامی بخود گرفت:

Polichinelle در فرانسه، Punch (در نمایش‌های: Punch and Judy) در انگلستان، Guiynol (که عروسک دستی بود) در فرانسه، Kasperl در آلمان، Paprika در اطریش و غیره...

ولی وجه تمایز او نسبت به مشابه‌های اروپائیش چون: پولچینلوی ناپلی^۱، ماپاتا کوی رمی^۲، آردلکن بولونی^۳ و پولیشینل فرانسوی^۴ تربیت عمیق مذهبی اوست، و نیز دورویی عمیق او. پهلوان کچل عابد، ادیب، و حتی مثل همه ایرانیان شاعر است. کار مہمش اینست که ملاها را گول بزند و سر بر سر زنان و جوانان زیباروی بگذارد... سپس او نمونه‌ای از یک یک نمایش خیمه‌شب‌بازی مربوط به- این قهرمان را ذکر می‌کند: «پهلوان کچل نزد آخوند می‌رود، لباسش چون لباس عابد مسلمانی است. اگر طاسی سرش نبود نمیشد اورا شناخت. آه می‌کشد، ورد می‌خواند، و بامہارت عجیبی اذای عربی دانهار درمی‌آورد. با آخوند تسبیح می‌اندازد، حدیث می‌گوید، ولی خصوصاً روی خیرات و مبرات و زکات تکیه می‌کند. آخوند بسیار خوشش آمده. پهلوان کچل از مانده‌های بهشتی و حوریان صحبت می‌کند. آخوند کاملاً شیفته شده است و بوی مانده‌های بهشتی را ز پرده‌ماغ



نمایش : پهلوان کچل
(با کمک اداره روابط بین‌المللی و
انتشارات هنرهای زیبا)

۲- Mapatacco Romain
۴- Polichinelle Français

۱- Pulcinello Napolitan
۳- Arlequin Bolonais

خود حس می کند. آخوند و پهلوان کچل کم کم در حال شیفتگی دعا را رها کرده به وجد و سرور و رقص میبردازند و شراب می نوشند، چون روی رف یک تار و چند شیشه شراب خلر شیراز هست. برای آنها که رسوم شرقی را می شناسند دریافتن جنبه مضحك این تارتوف^۱ مسلمانان بسیار آسان است.. پهلوان کچل نمودار مردم ایران است^۲. ملت والایر از نظر تمدن نسبت به... همسایگانش، و ملتی که با وجود این برتری از سیزده قرن پیش تا بحال همیشه مورد تسلط نژادهای بیگانه واقع شده، برده بوده اما حس بالاتری خود را حفظ کرده، در نتیجه مقاومت داخلی که در مقابل اربابانش داشته کم کم تبدیل به یک نوع دورویی و ریا شده است^۳.

گفته شودز کو از چند نظر خصوصاً از جنبه ثبت و نقل نمایی که امروزه از میان رفته برای ما جالب و مغنتم است. حالا برویم سر دنباله مطلب که به دوران معاصر میرسد.

گویند بر اثر تسلط گاه گاه سر بازان روس که بر بخش هائی از صفحات شمال هر بار برای مدت کوتاهی عروسک روسی «پتروشکا»^۴ که روحیه ای نیمه شرقی دارد، وارد در نمایش های عروسکی ایرانی شد. ولی ظاهراً اثری که بر این نمایش ها گذاشت عمیق نبود و نفوذش ادامه نیافت، هر بار با بسط نفوذ روسها - تماشاگران این نمایش - مدتی رواج گرفت و با از بین رفتن

۱ - « تارتوف - Tartufe - ۱۶۶۹ » شخصیتی که توسط مولیر در نمایشنامه ای به همین نام خلق و معرفی شد، کشیشی است ظاهراً پرهیزکار و در باطن حقه باز.

۲ - « رمون فورون - Raymond Furon » فرانسوی نیز که پیش از جنگ جهانی دوم استاد دانشسرای عالی و دانشگاه طهران بود در مقدمه کتاب «ایران» (پاریس - ناشر: بابو - ۱۹۵۱) پهلوان کچل و حاجی بابا را نمودار معایب و محاسن و تیپ مردم ایران می داند.

۳ - دیباچه کتاب شودز کو - من XV تا XVIII

۴ - Petrouchka - یک نیکورسننی، و مشهورترین شخصیت در خیمه شب بازی روسیه. استراوینسکی یک قطعه موزیک باله برای آن ساخت که اول بار در پاریس سال ۱۹۱۱ - اجرا شد.

قدرت آنها از میان رفت.^۱
 در اواخر قاجاریه و خصوصاً احمد شاه هم برخی نمایشهای عروسکی



نمایش : روباه مکار

(با کمک اداره روابط بین‌المللی و انتشارات هنرهای زیبای کشور)

۱ - ظاهراً آقای امین قزاملر مطالبی راجع به نفوذ پتروشکا در خبیثه شب- بازی ایران تهیه کرده‌اند، که من از چگونگی آن اطلاعی ندارم . امید است که به- انتشار هرچه زودتر آن بکوشند.

سیاسی در اطراف اجرا میشده است - و این مربوط است به دوره‌ای که مردم فکر میکردند روشنفکر شده‌اند - در تعداد انگشت شماری از این نمایشها عروسکی شبیه به احمد شاه (با همان پوشش) درست میکردند، و کسی که سر نخ عروسکها را بدست میگرفت هم خود لباسی مانند لباسهای اروپائی (خصوصاً انگلیسی) میپوشید، و او و دیگر همراهان او را حرکت میداد و بجایشان صدا درمی آورد. با این نمایش میخواستند نشان بدهند که سر نخ اینها بدست انگلیسیهاست. اما امروز این نمایش بیشتر از آنجهت برای ما جالب است که میدانیم صحنه گردان هم در اصل نمایش نقشی بازی میکرد و مردم او را روی صحنه خیمه میدیده‌اند^۱.

در عصر حاضر خیمه شب بازی بکلی اهمیت خود را بواسطه ورود سرگرمیهای دیگر در زندگی عامه مردم ازدست داده است، تنها عده فراموش شده‌ای در اطراف دهها و قصبات یا زوایای محله های عقب مانده گاه گاه نمایش عروسکی براه می‌اندازند، در برخی عروسی‌ها و یکی دو قهوه‌خانه هم ممکن است بشود بقایای آنرا یافت. چند «بنگاه شادی» هم وسایل این بازی را دارند که گاهی بدعوت صاحبان مجالس آنرا برپا می‌کنند. کافه شهرداری تنها محل ثابتی بود که از بدو شروع به کارش (ظاهراً ۱۳۱۹) ضمن برنامه های تابستانی و شبانه خود يك نمایش خیمه شب بازی هم داشت که بسیار مورد علاقه مردم بود، متأسفانه برنامه های این محل هم چند سالی است قطع شده است. «از کارگردانان معروف این فن که از آنها نامی باقی مانده یکی «کمال محمد شیرازی» بوده و دیگران «تقی» و «رضا» بوده‌اند که بساط رنگین و مرتبی داشته‌اند. در حال حاضر «مشهدی حسین» که بیش از پنجاه سال است دست بکار این فن میباشد و بساط منظم و مرتبی دارد و خیمه و عروسکهای او جالب و دیدنی هستند^۲.



- ۱ - رجوع شود به طرح روی جلد چاپ اول کتاب «بازیگران عصر طلائی» مسلماً طراح اندیشه آن طرح را از چنان نمایشهایی گرفته است.
- ۲ - مقاله: خیمه شب بازی در آسیا - امین قرانلر (مجله نایش - شماره ۴ - سال ۱۳۳۵)

در ۱۳۳۶ - يك « گروه نمایشهای عروسکی » زیر نظر امین قزاملر و حسن شیروانی در هنرهای زیبای کشور وجود داشت. این گروه نمایشهایی از جمله « ساز زدن ملا » و « پریچهر و اژدها » را بگرداندگی امین قزاملر اجرا کرد و حتی سفری هم به آبادان رفت و بازیهای خود را بدعوت شرکت نفت بنمایش گذاشت. در سالهای ۱۳۳۶/۷ سه دوره کلاس کارآموزی عروسکی در این اداره تشکیل شد، و برخی از آن عده کارآموخته ای که از این کلاسها بیرون آمدند شروع به فعالیتهای نمایشی کردند. از ۱۳۳۷ - « گروه نمایشهای عروسکی » زیر نظر پرویز کاردان به اداره هنرهای دراماتیک هنرهای زیبا پیوسته شد و بتدریج نمایشهای زیرین را در سالن اداره، کودکستانها، دبستانها، تلویزیون، چند گاردن پارتنی، طی دودعوت در آبادان (شرکت نفت) و غیره بنمایش گذاشتند؛

اللهوردی، بز دروغگو، آدم بیسواد کور است، تقی و تقی (تهیه و تنظیم شده توسط گروه نمایشهای عروسکی)، لجباز (نوشته نصرالله آقازاده)، آهوی سفید (شهر بانو پرتوی)، خرس و روباه (بدری مهینی)، کر مصلحتی (اسمعیل شنگله)، پهلوان کچل (علی نصیریان)، روباه مکار (پرویز کاردان)، لچک قرمزی (بدری مهینی)، بی بی خانم (اسمعیل داورفر)، زن دهن لق (شهلا هیربد) .

کارگردانی کلیه این نمایشها با پرویز کاردان بوده است.

با اینهمه اداره هنرهای دراماتیک و گروه نمایشهای عروسکی کمتر از آنچه لازم است و باید به حفظ شکل اصیل بازیهای عروسکی ایرانی و بسط جدی این گونه نمایش پرداخته است.